

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

بازتایپ و ارسال از: لاله
۲۱ جون ۲۰۱۵

نظری گذرا بر نثر و شعر دری

(قوانین، صناعات، سبک ها و مکاتب ادبی)

مؤلف: زنده یاد داد نورانی

(۱۱)

نام گذاری عروضی:

در عروض ۱۹ بحر اصلی وجود دارد و ۳۰۰ بحر فرعی. بحر فرعی از اصلی به وجود می آیند و این در صورتیست که افعیل بشکند. اگر افعیل در یک بیت ۸ بار تکرار شود بعد از نام اصلی آن بحر این تعداد می آید که آن را مثنی می گویند، اگر ۶ بار تکرار شود آن را مسدس و اگر چهار بار تکرار شود آن را مربع می گویند. اگر افعیل کامل بیاید، بعد از آمدن تعداد "سالم" می آید و اگر بشکند در آنصورت فراحت یا غیر سالم می آید. زحاف یا شکستن نام های متعددی دارد که در حوصله این نوشته نیست و در آموختن آن حالت برای افرادی که عروض تخصصی می خوانند لازم می افتد. به طور نمونه هر گاه در بحر متقارب که متشکل از ۸ فعولن می باشد در موردی فعلولن به فعول تبدیل شود آن را قبض می گویند و در این صورت نوشته می شود بحر "تقارب مثنی مخدوف مقبوض"

مثلاً: تقطیع این مصراع حافظ: روز وصل دوستداران یاد باد

debe yaa ran daa st dvv le vas ze ruu

- u - - - u - - - u -

وقتی به جدول مراجعه کنیم، می بینیم که ۴ هجائی - u - - فاعلاتن می باشد و درین مصراع دو فاعلاتن آمده و یک فاعلات - u - u و در یک بیت ۴ فاعلاتن و ۲ فاعلات می آید در مجموع شش افعیل را در بر می گیرد و بحر فاعلاتن رمل است. پس تقطیع این بیت حافظ بحر رمل مسدس مخدوف است به خاطری که دو افعیل آن تغییر خورده یعنی زحاف واقع شده است.

مثال از لیلی و مجنون نظامی: با آن که سخن به لطف آب است + کم گفتن هر سخن صواب است

هر مصراع آن مفعول مفاعیلن فعولن - هر بیت آن ۶ افعیل لذا تقارب مسدس مخدوف است.

وزن شعر نو:

وزن شعر نیمائی وزن عروض است چنان که می دانیم در اشعار نیمائی مصراع های کوتاه و بلند پشت سر هم قرار می گیرند و لاجرم تعداد هجا ها یا ارکان یک مصراع با مصراع بعد مساوی نیست. در شعر نو: ✓
اکثراً شعر نو به یک یا دو حالت ختم می شود و یا به رکن غیر سالم تمام می شود.

- ✓ اگر رکن آخر سالم آمد بهتر است در آنجا از قافیه استفاده شود.
- ✓ زیر هم نوشتن مصراع ها ناظر به همین نکته است. آغاز مجدد وزن آغاز مصراع نوین است به تقطیع

چند شعر نو نیمائی می پردازیم:

مفاعیلن مفاعیلن	ترا من چشم در راهم
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	ترا من چشم در راهم شباهنگام
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن	که می گیرند در شاخ تلاجن سایه ها رنگ سیاهی
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن	وزان دلخستگانت راست اندوهی فراهم
مفاعیلن مفاعیلن	ترا من چشم در راهم
(وزن هزج)	(نیما)

فعلاتن فعلن	و به آنان گفتم
فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن	هر که در حافظه چوب ببیند باغی
فعلاتن فعلاتن فعلن	هر که با مرغ هوا دوست شود
فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن	خوابش آزادترین خواب جهان خواهد بود
(وزن رمل نیمائی)	(سهراب سپهری)

مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن	تمام روز در آینه گریه می کردم
مفاعیلن فعلاتن	بهار پنجره ام را
مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن	به وهم سبز درختان سپرده بود
مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن	تنم به پیله تنهائیم نمی گنجید
(وزن محبت نیمائی)	(فروغ فرخزاد)

وزن شعر سپید یا شاملویی:

شعر شاملویی وزن عروضی سنتی و یا نیمائی ندارد و خود معتقد است که وزن محدودیت است. کجائی؟ بشنو! بشنو! / من از آنگونه با خویش به مهرم / که بسمل شدن را به جان می پذیرم/ بس که پاک می خواند این آب پاکیزه که عطشاناش مانده ام! بس که آزاد خواهیم شد / از تکرار هجا های مهمه / در کشاکش این جنگ بی شکوه! (احمد شاملو) در مورد وزن و خصوصیات شعر نیمائی در بخش شعر نو مفصلاً بحث خواهیم کرد.

ادامه دارد...